



# مجله حقوقی



دوره ۸ - شماره ۲۳ - بهار ۱۴۰۴

- تحلیلی بر مقایسه تغییرات اساسی در مقررات یو.سی.پی ۵۰۰ و یو.سی.پی ۶۰۰  
همایون مافی، سودابه اسدیان  
عدالت قضایی در قوانین کیفری اسلام  
ابوالفتح خالقی، مریم خلیل دخت  
تأثیر بیماری‌های فراگیر بر گسترش تروریسم  
محسن مولائی فرد، هادی مسعودی قر  
بزه دیدگی زنان در خانواده: راهکارها و مبانیت حمایت کیفری از آنان  
سیدعلیرضا میرکمالی، زهرا محمودی، امید زینالی  
چالش‌ها و راهبردهای اجرایی شدن حجاب و عفاف  
محمود حبیبی تپان، ترگس زندی علی آبادی  
نقد آیین نامه ماده سوم قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول  
کوثر نظری، ابراهیم باقوتی  
مطالعه تطبیقی اصل حسن‌نیت در حقوق ایران و فرانسه بر پایه اصلاحات ۲۰۱۶  
اکبر عظیمی  
واکاوی شناسایی حق بر محیط زیست در پرتو اسناد بین المللی و رویه های قضایی  
مونا دوانلو  
تأملی در روند هوش مصنوعی در پیشگیری از جرم  
علی نجفی، سیدمحسن موسوی قر  
نابرابری جنسیتی در اشتغال زنان استان سیستان و بلوچستان: بررسی عوامل اجتماعی و سیاسی  
ابوالحسن جنتی، زینب هاشمی باغی  
نقد و تحلیل تطبیقی ماهیت قراردادهای هوشمند در نظام‌های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا  
امل سلیمانی، مریم اسکندری  
تحلیل تطبیقی جرم تصرف عدوانی اموال منقول در حقوق ایران و انگلستان: مبانیت، ارکان و ضمانت های اجرایی  
امیرمحمد ماهرخ، سعید بابایی  
صلح در حقوق ایران: تحلیل تطبیقی با دیگر راه های حل و فصل اختلافات  
محمدباقر پارساپور، اعظم لطفی نیستانک  
آثار حقوقی و پیامدهای استناد به قاعده ضرورت در حقوق بین‌الملل  
سیدمحمدپدرام بطحایی  
تحلیل جرایم مرتبط با زمین خواری در حقوق کیفری ایران و فرانسه  
وحید کیومرثی  
بررسی خسارت ناشی از خسارت در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا  
امیرمحمد توکلی، ستایش حاج رحبیلی طهرانی  
مقایسه تحریم‌های یکجانبه و تحریم‌های شورای امنیت: تحلیل حقوقی و پیامدهای فرامرزی  
سیدفواد علوی، علی تقی‌زاده، محمدجواد قصابی فرد  
جرایم و حوادث ناشی از کار در حقوق ایران و فرانسه  
سیمما سوداگر  
جایگاه حقوقی کاربرد سلاح های شیمیایی از سوی عراق علیه ایران از منظر حقوق بین الملل  
سارا فرزادی مهر، مجتبی نظیف، قاسم مقدمیان، اسماعیل عموری  
سیاست جنایی مجازات های جایگزین‌های حبس در جرایم نبروهای مسلح ایالات متحده آمریکا  
امیرحسن ابوالحسنی، سیدحبیبی علوی، الهام زارع  
قرارداد حمل و نقل کالا در نظام حقوقی ایران و فرانسه  
مهشید سادات طبایی، فهیمه طاهرلو  
استقرار قوانین هوش مصنوعی در مبارزه با پولشویی و بازیابی دارایی‌ها  
علی موید احمدی، امیررضا محمودی  
مالکیت مریخ در پرتو معاهده فضای ماورای جو ۱۹۶۷ میلادی: تحلیل حقوقی تعارضات و راهکارها  
مهدی قره داغی  
تحلیل سیاست کیفری قانونگذار ایرانی در قبال جرایم تروریستی: چالش‌ها و راه کارها  
مصطفی رضایی  
تعارض اصول حاکم بر اراضی شهری با حقوق مالکانه در نظام حقوقی ایران  
سیدمحمدباقر حقایقی، فرزین یزدان پناه، حمیدرضا کناری زاده  
بررسی فقهی-حقوقی عدم لزوم ترتیب اثر به شرط حق طلاق زوجه در عقدنامه های نکاح  
وحید پارسایی دادرس  
جایگاه تفسیر قرارداد در نظام حقوقی ایران  
اصلان علیزاده، اسماعیل حسینی  
اجرای آرای دیوان داوری ورزش در سطح ملی  
سپیده احمدیان فرد  
چبران خسارت ضرر شخصی در شبه جرم و مصادیق آن در قوانین کیفری: بررسی حقوقی و قضایی  
میثم حسینی زاده  
بررسی فقهی و حقوقی لجاج مصنوعی در ایران  
فاطمه معزی، هانیه اکبری، هادی روستا



## Female Victimization Within the Family: Strategies and Foundations for Criminal Protection

**Sayyed Alireza Mirkamali**

Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

**Zahra Mahmoudi**

Master of Science in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran

**Omid Zeynali**

Master of Science in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

## بزه دیدگی زنان در خانواده؛ راهکارها و مبانی حمایت کیفری از آنان

**سیدعلیرضا میرکمالی**

استادیار گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

[a\\_mirkamali@sbu.ac.ir](mailto:a_mirkamali@sbu.ac.ir)  
<http://orcid.org/0000-0003-3594-4522>

**زهره محمودی**

کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران

[helimahmoudi@gmail.com](mailto:helimahmoudi@gmail.com)  
<http://orcid.org/0009-0004-3063-1150>

**امید زینالی**

کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

[omidzainali990@gmail.com](mailto:omidzainali990@gmail.com)  
<http://orcid.org/0009-0001-7766-0782>

### Abstract

This article examines the victimization of women in the family and the foundations of differential criminal protection for them. With the emergence of the science of victimology, attention to preventing the victimization of vulnerable individuals, especially women, was raised in the form of differential criminal policy. As one of the groups exposed to physical, psychological, economic, and digital violence, wives require special legal protection. The Family Protection Law of 1391, despite some criminalization such as abandonment of alimony, still faces gaps such as the lack of criminalization of sexual violence. The bill to prevent the victimization of women can also be an effective step in this direction, provided that its approval is expedited. The article examines the high status of women in Islam and human rights, the foundations of criminal intervention in the family (public order, protection of members' rights, and strengthening of the family), and the analysis of women's victimization in Iran in three sections, and suggests solutions such as criminalizing emerging behaviors, intensifying punishment, establishing safe houses, judicial training, and culture building. Differential criminal protection, by observing the principles of caution and minimalism, will not only help reduce the number of crimes against women, but will also lead to social development by strengthening the role of women.

**Keywords:** Women's Victimization, Differential Criminal Protection, Criminal Policy, Domestic Violence.

### چکیده

این پژوهش به بررسی بزه‌دیدگی زنان در خانواده و مبانی حمایت کیفری افتراقی از آنان می‌پردازد. با ظهور علم بزه‌دیده‌شناسی، توجه به پیشگیری از بزه‌دیدگی افراد آسیب‌پذیر، به‌ویژه زنان، در قالب سیاست جنایی افتراقی مطرح شد. زوجه به‌عنوان یکی از گروه‌های در معرض خشونت‌های جسمی، روانی، اقتصادی و دیجیتال نیازمند حمایت‌های ویژه قانونی است. قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، با وجود برخی جرم‌انگاری‌ها مانند ترک نفقه، همچنان با خلأهایی نظیر عدم جرم‌انگاری خشونت جنسی مواجه است. لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان نیز می‌تواند گامی مؤثر در این راستا باشد، مشروط بر تسریع در تصویب آن. پژوهش حاضر در سه بخش جایگاه والای زنان در اسلام و حقوق بشر، مبانی مداخله کیفری در خانواده (نظم عمومی، حفظ حقوق اعضا و استحکام خانواده) و تحلیل بزه‌دیدگی زنان در ایران را بررسی کرده و راهکارهایی چون جرم‌انگاری رفتارهای نوظهور، تشدید مجازات، ایجاد خانه‌های امن، آموزش قضایی و فرهنگ‌سازی را پیشنهاد می‌دهد. حمایت کیفری افتراقی، با رعایت اصول احتیاط و کمینه‌گرایی، نه تنها به کاهش رقم سیاه جرایم علیه زنان کمک می‌کند، بلکه با تقویت نقش زنان، به توسعه اجتماعی منجر خواهد شد.

**واژگان کلیدی:** بزه‌دیدگی زنان، حمایت کیفری افتراقی، سیاست جنایی، خشونت خانگی.

ارجاع:

میرکمالی، سیدعلیرضا؛ محمودی، زهرا؛ زینالی، امید؛ (۱۴۰۴)، بزه دیدگی زنان در خانواده؛ راهکارها و مبانی حمایت کیفری از آنان، تمدن حقوقی، شماره ۲۳.

#### Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



#### مقدمه

سیاست کیفری افتراقی یا ویژه، مجموعه‌ای از اقدامات و تدابیر و شیوه‌های خاص پیشگیرانه می‌باشد که باید مدنظر قانونگذاران و سیاست‌مداران قرار گیرد تا از بزه دیده واقع شدن افراد خاص مانند زنان و کودکان که بیشتر از افراد معمولی جامعه در معرض بزه دیدگی هستند، جلوگیری شود. این نوع سیاست جنایی باید در همه ابعاد سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی قضایی و سیاست جنایی اجرایی لحاظ گردد. جرم‌انگاری‌های جدید یا کیفرانگاری حمایتی می‌تواند یکی از راهکارهای اعمال سیاست جنایی افتراقی باشد (عظیم‌زاده اردبیلی و ریاضت، ۱۳۹۴، ۴۶).

با توجه به جرایمی که ممکن است علیه بزه دیدگان خاص واقع شوند، می‌توان دست به جرم‌انگاری و اعمال مجازات‌های جدید زد. مثلاً آن جایی که جرم دارای جنبه سودجویانه است، باید کیفرهای مالی مناسبی پیش‌بینی کرد تا بزه‌کاران را از ارتکاب این جرایم منصرف ساخت. تشدید مجازات جرایم علیه بزه دیدگان خاص نیز می‌تواند راهکار دیگری برای اعمال سیاست جنایی افتراقی باشد؛ به گونه‌ای که مجازات‌های در نظر گرفته شده در قانون برای جرایم علیه بزه دیدگان خاص را تشدید کرد. مثلاً، درجه حبس در نظر گرفته شده برای بزه دیدگان معمولی، در صورتی که بزه دیده خاص وجود داشته باشد که تحت سیاست جنایی افتراقی قرار می‌گیرد، افزایش یابد. محروم کردن بزه‌کاران از نهادهای تخفیفی موجود در قانون، از دیگر روش‌های اعمال سیاست جنایی افتراقی است. مثلاً، بزه‌کار را از اعمال تعلیق

مجازات، آزادی مشروط، تبدیل مجازات و هرگونه تخفیف قانونی محروم کرد (عظیم‌زاده اردبیلی و ریاضت، ۱۳۹۴، ۴۷).

زوجه نیز یکی از افراد بالقوه آسیب‌پذیر در برابر بزه‌کاران است که در معرض تهاجم، خشونت و توهین در محیط خانواده قرار دارد. بنابراین، زوجه نیز باید تحت سیاست جنایی افتراقی قرار بگیرد و سیاست‌های لازم برای پیشگیری از بزه دیده شدن زوجه در قانون در نظر گرفته شود (عظیم‌زاده اردبیلی و ریاضت، ۱۳۹۴، ۴۷). زنان اگر دستگاه قضایی و سیستم عدالت کیفری را مأوا و پناهگاهی امن برای خود ببینند، جرایم ارتكابی علیه خود را گزارش خواهند داد (کریزی، ۱۳۹۶، ۵). اما اگر قانون با منظرگاه ادبیات و فرهنگ جنسیتی توسط مفسران و قانونگذاران مرد وضع شود، یا خوف مراجعه به پزشکی قانونی به دلیل حضور اکثریت پزشکان مرد در آن، بین زنان وجود داشته باشد، بازجویی‌های زجرآور و طولانی همیشگی حاکم باشد، انجام معاینات پزشکی در صورت شکایت از سوی زوجه و اجتناب وی از آن و همچنین نوع نگاه خاصی که عرف بعد از مراجعه زوجه به مراجع قضایی نسبت به وی دارد، زوجه را مأیوس کرده و ادامه زندگی با زوج را در بدترین شرایط، به شکایت علیه وی و گزارش جرم و خشونت ترجیح خواهد داد.

امروزه در قوانین کیفری، با عدول مثبت از اصل تساوی افراد، می‌توان به حمایت کیفری افتراقی از زوجه پرداخت. برای دفاع از بزه دیدگان بالقوه آسیب‌پذیر نظیر زوجه، عدول از اصل تساوی منطقی است (کریزی، ۱۳۹۶، ۶). در قوانین کیفری ایران، هرچند که بارقه‌هایی از حمایت کیفری افتراقی از زوجه به صورت پراکنده دیده می‌شود<sup>۱</sup>، اما در برخی موارد نه تنها از اصل تساوی افراد عدول نشده، بلکه به خود

---

۱- ماده ۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود. ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌تواند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند. ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵: «هرکس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

اصل هم خدشه وارد شده است<sup>۲</sup> و زوجه از حمایت کیفری مشابه با زوج محروم بوده است. علت اینکه در بحث جنایات در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از اصل تساوی افراد عدول شده، وضع آن بر اساس احکام فقهی و تفاسیر فقها است که امروزه با توجه به اقتضائات زمانی، نیازمند بازبینی است (کریزی، ۱۳۹۶، ۸). قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ تا حدودی به لزوم حمایت کیفری افتراقی از زوجه پایبند بوده و برخی جرائم علیه زوجه را که غالباً از سوی زوج قابل ارتکاب هستند در این قانون پیشبینی کرده، اما خلاءهایی نیز در آن دیده می‌شود که نیازمند اصلاح و بازبینی است.

در این پژوهش، سعی شده است به مبانی حمایت کیفری افتراقی از زنان پرداخته شود و به همین منظور مباحث در سه بخش مجزا اول- ارزش و جایگاه زنان در جامعه و خانواده، دوم- مبانی مداخله و حمایت کیفری از زنان در خانواده، سوم- تحلیل بزه‌دیدگی زنان در ایران با تأکید بر لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۱- ارزش و جایگاه زنان در جامعه و خانواده

امروزه وجود زنان در جامعه و خانواده از ارزش والایی برخوردار است. حضور زنان در اجتماعات مختلف و ایفای نقش در عرصه‌های گوناگون یکی از شاخصه‌های مهم توسعه انسانی تلقی می‌شود. زنان از یک سو در خانواده هم نقش همسررداری و هم نقش مادری را بر عهده دارند و از سوی دیگر در حل معضلات اجتماعی و اقتصادی جامعه نقش بسیار مهمی را ایفاء می‌کنند (امین‌زاده، ۱۳۸۰، ۱۶). جوانانی که بزرگ شده و وارد عرصه اجتماع می‌شوند حاصل رشد و تربیت در خانواده می‌باشند که بر عهده مادر می‌باشد. بین مرد و زن تفاوتی وجود ندارد و از یک سنخ هستند. زن به مقتضای خلقت خویش و به لحاظ تفاوت‌هایی که با مرد دارد، از جایگاه ممتازی برخوردار است (امین‌زاده، ۱۳۸۰، ۱۶). دین اسلام و همچنین حقوق بشر به صورت مکرر به حمایت از زن تأکید داشته‌اند؛ اختصاص بسیاری از آیات قرآن به زنان، روایات و احادیث فراوان در مورد حفظ کرامت زن و بسیاری از اعلامیه‌ها و منشورهای بین‌المللی در این مورد، نشانگر ضرورت این نوع حمایت از زن هستند. ذیلاً رویکرد اسلام

۲- ماده ۵۵۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: دیه قتل زن، نصف دیه مرد است. این ماده با اصل حمایت کیفری افتراقی از زوجه در تضاد است، چرا که با وجود آسیب‌پذیری بیشتر زنان در جامعه، این حکم نه تنها حمایت بیشتری از آنان به عمل نمی‌آورد، بلکه ارزش حیاتی زن را نابرابر با مرد تلقی می‌کند. این نگاه نیازمند بازنگری با توجه به شرایط کنونی و اصول حقوق بشری است.

نسبت به جایگاه زن و نگاه حقوق بشری به مسئله حقوق زن بررسی می شود.

### ۱-۱- رویکرد اسلام نسبت به جایگاه زن

اسلام بود که جایگاه واقعی و ارزش زن را به او بازگرداند. پیش از اسلام، تولد دختر مایه ننگ برای پدران محسوب می شد که برای پاک کردن این لکه ننگ، دختر را زنده به گور کرده یا می سوزاندند. زن برده ای بیش نبود و مطیع و فرمانبردار شوهر خود بود. با ظهور اسلام، جایگاه واقعی زن به او بازگردانده شد (وسمقی، ۱۳۸۷، ۱۰). درحالی که زن هیچ سهمی از دیه نداشت و شهادت وی نیز پذیرفته نمی شد، اسلام نصف دیه برای او قائل شد و شهادت او نصف شهادت مرد محسوب می شد. پیش از اسلام، مهریه را به پدر دختر می دادند و دختر را به عنوان کالایی از پدرش می خریدند، اسلام مهریه را حق دختر دانست که باید به خود او داده شود (وسمقی، ۱۳۸۷، ۱۱). احکام اسلام بیشتر امضایی بودند تا تأسیسی؛ یعنی پیش از اسلام هم وجود داشتند و در بین مردم به آن ها عمل می شد که اسلام با اصلاح برخی از آن ها به شیوه درست، تأیید می کرد (وسمقی، ۱۳۸۷، ۲۳).

پیامبر اسلام (ص) به آداب و رسوم، شیوه زندگی، ساختار اجتماعی، قبیله ای و خانوادگی که بین مردم مرسوم بود، زندگی می کرد. دخترانش را به شیوه رسوم اعراب شوهر می داد، به سبک اعراب زندگی می کرد و به روش آن ها امرار معاش می کرد. پیامبر بزرگوار (ص) تنها کاری که می کرد، اصلاح شیوه های غلط زندگی مردم و از میان برداشتن عقاید و افکار اشتباه پیش از اسلام بود. پیامبر اسلام (ص) در میان مردم به شیوه ای اصلاحی نبوت می کرد (وسمقی، ۱۳۸۷، ۲۴). با توجه به امضایی بودن اکثر احکام اسلام و اینکه روش اصلاحی، مهم ترین روش پیامبر برای ترویج احکام فقهی و اسلامی بود، می توان معتقد بود که احکام و قوانین و مقررات با توجه به شرایط و مقتضیات زمان باید وفق پیدا کنند (وسمقی، ۱۳۸۷، ۵۳).

مقتضیات و شرایط در جوامع گوناگون دستخوش تغییر و تحول بوده و قوانین نیز باید متناسب با این تغییرات متحول شوند. اگر امروز پیامبری ظهور کند، با توجه به شرایط و ساختار حاکم بر جامعه، احکامی را بیان می کند و احکام اسلامی را هم که وجود داشته، با توجه به شرایط امروزه اصلاح می کند (وسمقی، ۱۳۸۷، ۵۳). امروزه با صدر اسلام و زمانی که احکام اسلامی آورده شده، متفاوت بوده و واقعیات جامعه امروزی با چهارده قرن پیش تفاوت دارد. امروزه در بعضی خانواده ها مسئولیت زن از مرد بیشتر است، زن

امروزه از نظر بینش همانند زن روزگاران گذشته نیست که مشمول همان قوانین باشد. نقش زن باید متناسب با واقعیات روزگار باشد والا نه تنها نظم برقرار نمی‌شود، بلکه فرد و جامعه را مشوش نیز خواهد کرد (وسمقی، ۱۳۸۷، ۸۰).

امروزه با توجه به شرایط و مقتضیات زمانی، فقه باید پویا گردد و احکام فقهی و اسلامی متناسب با جامعه امروزی تنظیم گردند. اسلام با توجه به ساختار اجتماعی و شرایطی که در شبه جزیره عربستان حاکم بود، احکامی را پایه‌گذاری کرد. جامعه زمان پیامبر اکرم (ص)، مانند کودکی بود که تازه می‌خواست رشد کند و بزرگ شود، بنابراین پیامبر اکرم (ص) نیز با توجه به درک و فهم این کودک، احکام فقهی را بیان می‌کرد، به‌طوری‌که برای او قابل پذیرش باشد و با مخالفت و واکنش تند متقابل همراه نباشد. امروزه این کودک بزرگ شده و آماده پذیرش احکام به روز و جدید است. همچنین مباح بودن یک فعل دلالت بر عدم جواز فعل متفاوت با آن ندارد. اگر آن زمان دیه زن نصف دیه مرد شد و جامعه پذیرفت، امروزه نیز پذیرش شهادت زنان برابر شهادت مردان و تعیین دیه مساوی بین زن و مرد نیز برای جامعه قابل پذیرش خواهد بود. اگر احکام فقهی را این چنین تفسیر کنیم و فقه پویا را به‌وجود بیاوریم، خلاف احکام اسلام عمل نکرده‌ایم (وسمقی، ۱۳۸۷، ۴۳).

اما اینکه چرا امروزه عده‌ای به فقه سنتی معتقدند و زیربار پویا شدن فقه نمی‌روند، دلایل متفاوتی وجود دارد. اکثر مفسران، سیاست‌مداران، دولت‌مردان، دکترین حقوقی و فقیهان مرد بوده‌اند و می‌توان گفت با نگاه جنسیتی و دیدگاه ضدزن به وضع قوانین و مقررات پرداخته‌اند. بسیاری از احادیث و روایات که مستند احکام فقهی هستند نیز قابل مناقشه هستند. همچنین چگونگی استدلال و استنباط حکم از این آیات، اخبار و احادیث نیز در بسیاری از موارد قابل مناقشه بوده است (وسمقی، ۱۳۸۷، ۶).

با توجه به تحولات اجتماعی امروز، بسیاری از فقها معتقدند احکام مربوط به زنان نیازمند بازنگری اساسی است. به‌عنوان مثال، نظریه «فقه پویا» تأکید دارد که احکام باید با توجه به مقتضیات زمان تفسیر شوند. درحالی‌که در صدر اسلام، تعیین نصف دیه برای زن ممکن است به دلایل اجتماعی آن زمان قابل توجیه بوده، امروزه این حکم با اصول عدالت و برابری در تضاد است. همچنین، شواهد تاریخی نشان می‌دهد که بسیاری از این احکام امضایی بوده و جنبه تأسیسی نداشته‌اند، بنابراین قابلیت اصلاح بر اساس نیازهای جامعه معاصر را دارند.

## ۱-۲- نگاه حقوق بشری به مسئله حقوق زن

جایگاه زن در حقوق بشر و حقوق بین‌الملل نیز جایگاه ممتازی است. به‌طوری که در عرصه بین‌الملل، بسیاری از میثاق‌ها و اعلامیه‌های جهانی، به حقوق زن و برابری زن و مرد، اختصاص یافته است (افروز، ۱۳۹۶، ۹۴). در زمینه تساوی حقوق زن و مرد در عرصه بین‌المللی، می‌توان از منشور ملل متحد نام برد که نخستین سند بین‌المللی بوده که در مقدمه، به برابری زن و مرد اشاره داشته و با رفع هرگونه تبعیض نژادی، زبانی و مذهبی به یکسان بودن حقوق زن و مرد تأکید دارد (افروز، ۱۳۹۶، ۹۴).

اگر برخی تفسیرهای نادرست و از روی غرض را که از آیات و روایات می‌شود کنار بگذاریم، مفاد اسناد بین‌المللی و حقوق بشر در مورد برابری زن و مرد با مفاد آیات قرآن و احادیث و روایات یکی است. هرچند وضع قوانین بر اساس این تفسیرها در کشورهای اسلامی باعث شده که مفاد قوانین داخلی آن‌ها در زمینه حقوق زن و مرد با مفاد اسناد بین‌المللی در تضاد باشد. قوانین داخلی ایران اکثراً از فقه و روایات گرفته شده است، اما ایران در عرصه بین‌المللی فعال بوده و با شرکت در تهیه پیش‌نویس بسیاری از اسناد حقوق بشر، تمایل خود را به فعالیت در زمینه رفع تبعیض علیه زنان در عرصه بین‌المللی نشان داده است. مشارکت در کنفرانس جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۹۳ میلادی در وین و نقش مهم در تهیه اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در سال ۱۹۹۸ میلادی نمونه‌هایی از این تمایل است. پیوستن کشورها به کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به دفاع از حقوق زنان و تبعیت قوانین داخلی آن‌ها از این اسناد، می‌تواند حرکت عظیمی را در حمایت از حقوق زنان در جهان به‌وجود آورد؛ چنانچه هدف اصلی اسناد بین‌المللی و حقوق بشری حمایت از زنان و آسیب‌دیدگان خاص است.

اگرچه ایران به برخی کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان نپیوسته است، اما بسیاری از اصول این اسناد با تفسیر صحیح از فقه اسلامی قابل تطبیق هستند. به‌عنوان مثال، ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر که بر تساوی حقوق زن و مرد در امور خانوادگی تأکید دارد، می‌تواند با اصل «معاشرت به معروف» در قرآن کریم<sup>۳</sup> که رفتار شایسته با زنان را واجب می‌داند، همسو باشد. مشکل اصلی در اجرا، مقاومت نهادهای سنتی در برابر این تفسیرهای پیشرو است.

۳- سوره مبارکه نساء، آیه شریفه نوزدهم

## ۲- مبانی مداخله و حمایت کیفری از زنان در خانواده

مقوله‌هایی که برای حریم خصوصی در نظر گرفته شده، شامل حریم منزل و خلوت افراد، حریم جسمانی، حریم روانی، حریم مکانی، حریم ارتباطات شخصی و حریم اطلاعات خصوصی است. حریم خانه گاه تحت مفهوم حریم خلوت و گاه تحت عنوان حریم مکانی مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین، خانواده نیز به اعتبار اینکه قلمرو مکانی مشترکی با خانه دارد، داخل در حریم خصوصی است (انصاری‌فر و همکاران، ۱۴۰۲، ۱۵۵).

خانواده به عنوان حریم خصوصی، ورود و دخالت دولت را ممنوع می‌سازد. اما گاهی دیده می‌شود که دولت‌ها در حریم خصوصی خانواده‌ها دخالت دارند و پای حقوق کیفری به حوزه خانواده کشیده می‌شود. با وجود محدودیت‌های خاص برای دخالت و ورود حقوق کیفری به حوزه خانواده، گاهی ضرورت اقتضاء می‌کند که حقوق کیفری به این حوزه ورود پیدا کند. با وجود محدودیت‌های موجود در رابطه با دخالت حقوق کیفری و دولت در حوزه خانواده، استثنائاتی وجود دارد که با تکیه بر آن‌ها، دخالت دولت و حقوق کیفری در این حوزه، قابل توجیه به نظر می‌رسد (حاجی ده آبادی و کرامتی‌معز، ۱۳۹۶، ۶). با توجه به اهمیت بحث، در ذیل به سه مورد از این استثنائات و ضرورت دخالت حقوق کیفری در حوزه خانواده اشاره می‌کنیم.

### ۲-۱- برقراری نظم و انتظام در جامعه

در تعریف نظم عمومی گفته شده: «مجموعه سازمان‌های حقوقی و قواعد مربوط به حسن جریان امور راجع به اداره یک کشور یا راجع به حفظ امنیت و اخلاق در روابط بین افراد است؛ به طوری که افراد نتوانند از طریق قراردادهای خصوصی از آن تجاوز کنند» (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۳، ۷۱۷).

در جامعه، وظیفه اصلی برقراری نظم عمومی بر عهده دولت است. دولت باید با به کارگیری تمام امکانات، نظم و انتظام را در جامعه برقرار سازد. برای برقراری نظم عمومی در جامعه، هیچ نهاد و بنیادی مستثنی نیست و همه نهادها و دستگاه‌ها را شامل می‌شود. خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی مهم در جامعه که دارای حریم خصوصی است نیز در صورت ضرورت مثل برقراری نظم عمومی، دخالت دولت را باید پذیرا باشد (حاجی ده آبادی و کرامتی‌معز، ۱۳۹۶، ۷). حقوق کیفری و دولت برای دست‌یابی به

هدف خود یعنی؛ برقراری نظم عمومی در جامعه، اگر شرایط ایجاب کند و اختلاف و دعوایی در خانواده شکل بگیرد که این دخالت را توجیه کند، باید در این حوزه ورود پیدا کنند و نظم را مقرر سازند.

## ۲-۲- حفظ حقوق اعضای خانواده

هر یک از اعضای خانواده اعم از زن یا کودک دارای حقوقی می‌باشند که توسط قانونگذار تعیین شده است. برخورداری اعضای خانواده از حقوق خاص در جامعه، نقطه مقابل بر عهده داشتن تکالیفی است که قانونگذار بر دوش آن‌ها نهاده است. به‌ویژه اینکه برخی از اعضای خانواده مثل زن به‌دلیل نابرابری که از نظر جسمی و فیزیکی با مرد دارند، حمایت بیشتر دولت را می‌طلبد. یکی از ابزارهای لازم جهت حفظ حقوق اعضای خانواده، بهره‌گیری و توسل به ضمانت‌اجراهای کیفری و جرم‌انگاری در حوزه خانواده است (حاجی ده آبادی و کرامتی معز، ۱۳۹۶، ۸). دخالت دولت در حریم خصوصی خانواده و ورود حقوق کیفری به حوزه خانواده با هدف حفظ حقوق اعضای خانواده قابل توجیه است (زینالی و مقدسی، ۱۳۸۸، ۴۹).

## ۲-۳- حفظ استحکام خانواده

با تحولات اجتماعی و فناوری، اشکال جدیدی از خشونت علیه زنان در خانواده ظهور کرده‌اند که نیازمند جرم‌انگاری و حمایت کیفری هستند. برای مثال، خشونت دیجیتال<sup>۴</sup> یا خشونت اقتصادی<sup>۵</sup> از جمله این موارد هستند. این رفتارها نه تنها کرامت انسانی زوجه را زیر سؤال می‌برد، بلکه به دلیل عدم پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای کیفری مشخص، غالباً بدون پاسخ می‌مانند. بنابراین، قانونگذار باید با بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی و مطالعات بزه دیده‌شناسی، این خلاءهای تقنینی را پر کند.

## ۳- تحلیل بزه‌دیدگی زنان در ایران با تأکید بر لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان

### ۳-۱- تعریف مفهومی و جایگاه زن در بزه‌دیدگی‌شناسی

مندلسون، بزه‌دیده را این‌گونه تعریف می‌کند: «شخصی مستقل یا متعلق به یک مجموعه که متحمل آثار دردناک برخی عوامل شده که این عوامل دارای ریشه‌های مختلف فیزیکی، روانی، اقتصادی،

۴- مانند انتشار تصاویر خصوصی بدون رضایت زوجه

۵- مانند محرومیت عمدی زوجه از دسترسی به منابع مالی مشترک

سیاسی، اجتماعی و همچنین طبیعی می‌باشد» (کریزی، ۱۳۹۶، ۶).

با ورود بزهدیدگی‌شناسی نوین به حوزه‌های سیاست‌گذاری اجتماعی، توجه به زنان به عنوان بزهدیدگان بالقوه در محیط‌های شهری و خانوادگی به شکل پررنگ‌تری مطرح شد. یکی از ویژگی‌های کلیدی بزهدیدگی زنان، ساختار چندلایه و پیچیده آن است؛ بدین معنا که عوامل مؤثر در بزهدیدگی زنان نه تنها محدود به روابط فردی و خانوادگی، بلکه شامل ساختارهای کلان اجتماعی، حقوقی و فرهنگی نیز می‌شود. از همین رو، بزهدیدگی زنان را باید در بستری ترکیبی و میان‌رشته‌ای مورد مطالعه قرار داد.

زوجه نیز ممکن است در خانواده در معرض بزهدیدگی قرار گیرد. شوهر وی مرتکب انواع خشونت‌ها و اعمال مجرمانه علیه وی گردد، بدون این که ترسی از دستگاه قضایی داشته باشد. اگر زوجه نخواهد یا نتواند جرم ارتکاب‌یافته علیه خود را گزارش دهد، رقم سیاه بزهکاری افزایش خواهد یافت. بسیاری از زنان، به جهت حفظ آبرو و حیثیت خود و خانواده، رابطه‌ای که با شوهر خود دارند، وابستگی‌های اقتصادی به شوهر، بی‌سوادی یا کم‌سوادی، فرهنگ و آداب خاص خانواده‌ها، نوع نگاه به شوهر به عنوان یکی از اعضای خانواده، ترس از برخورد متفاوت دستگاه قضایی به دلیل جنسیت و ترس از انتقام‌گیری زوج از گزارش خشونت‌های خانگی خودداری می‌کنند. این امر موجب افزایش رقم سیاه این گونه جرایم می‌شود (عظیم‌زاده اردبیلی و ریاضت، ۱۳۹۴، ۴۶).

در چنین شرایطی، مسئله بزهدیدگی زنان از یک امر صرفاً کیفری فراتر می‌رود و به موضوعی اجتماعی-روانی تبدیل می‌شود که بدون درک عمیق از زمینه‌های فرهنگی و عرفی حاکم، نمی‌توان راهکاری کارآمد برای مقابله با آن ارائه داد. یکی از کاستی‌های جدی در نظام عدالت کیفری ایران، عدم وجود حمایت‌های مؤثر پیشینی از زنان در معرض خشونت است؛ به عبارت دیگر، بیشتر سیاست‌ها پس از وقوع جرم فعال می‌شوند و نقش بازدارندگی ضعیفی دارند. همچنین لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان که در ایران در حال بررسی است، به عنوان یک طرح جدید می‌تواند توجه بیشتری به حمایت‌های پیشگیرانه و سیاست‌های حمایتی پیش از وقوع جرم جلب کند. این لایحه باید با رویکردی جامع به تجزیه و تحلیل عوامل پیچیده‌تری که در بزهدیدگی زنان دخیل هستند، پردازد و به ویژه به نقش خانواده و جامعه در پیشگیری از خشونت علیه زنان توجه کند.

### ۳-۲- عوامل مؤثر در بزه دیدگی زنان در جامعه ایرانی

بزه دیدگی زنان در جامعه ایرانی ریشه در ترکیبی از عوامل فردی، خانوادگی، فرهنگی، اقتصادی و ساختاری دارد. شناخت این عوامل، شرط ضروری هرگونه سیاست گذاری مؤثر در حوزه پیشگیری و حمایت از زنان بزه دیده است. بررسی دقیق این متغیرها، نشان می دهد که آسیب پذیری زنان تنها ناشی از ویژگی های زیستی یا رفتارهای فردی نیست، بلکه بازتابی از شرایط نامتوازن اجتماعی و حقوقی موجود در کشور است.

نخستین عامل مؤثر، ساختار قدرت درون خانواده های ایرانی است. در بسیاری از خانواده ها، شوهر به عنوان تصمیم گیر اصلی، قدرت اقتصادی و اجتماعی بیشتری دارد و این مسئله می تواند زمینه ساز بروز خشونت و سوءاستفاده باشد. زنانی که از نظر مالی وابسته هستند یا دسترسی به منابع حمایتی ندارند، بیشتر در معرض بزه دیدگی خانگی قرار می گیرند (استادهاشم، ۱۴۰۱، ۴۲).

دومین عامل، تبعیض های نهادینه شده در قوانین و سیاست های رسمی است. اگرچه در سال های اخیر تلاش هایی برای اصلاح برخی قوانین صورت گرفته است، اما هنوز در مواردی چون طلاق، حضانت، ارث و شهادت، زنان با محدودیت های قانونی مواجه اند که موقعیت آن ها را به عنوان قربانی جرم، تضعیف می کند (میرکمالی و همکاران، ۱۴۰۰، ۵۵). در همین راستا، عدم تصویب نهایی و اجرایی شدن لوایح حمایتی نظیر «لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» یا نسخه جدیدتر آن با عنوان «لایحه پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار» موجب شده است تا خلأ حمایت قانونی از زنان بزه دیده همچنان باقی بماند. این لایحه که با تأخیر و تغییرات متعدد مواجه شده، در صورت تصویب نهایی می تواند گامی اساسی در پیشگیری از خشونت و حمایت ساختاری از زنان در معرض بزه دیدگی باشد.

همچنین، ساختار فرهنگی سنتی در برخی مناطق کشور، از طریق ترویج نگاه مردسالارانه، نقش چشمگیری در بزه دیدگی زنان دارد. این فرهنگ، زنان را وادار به تحمل خشونت یا سکوت در برابر بزه کار می کند و آن ها را از پیگیری قانونی باز می دارد. در برخی مناطق، خشونت خانگی نوعی «امر خانوادگی» تلقی می شود که نباید به بیرون درز کند و این باعث تقویت رقم سیاه بزه کاری علیه زنان می شود (میرکمالی و همکاران، ۱۴۰۰، ۸۲).

در کنار همه این‌ها، وضعیت اقتصادی خانواده‌ها و فشارهای معیشتی نیز از عوامل غیرقابل چشم‌پوشی هستند. فقر، بیکاری، مسکن نامناسب و اعتیاد می‌توانند به‌طور غیرمستقیم زمینه ارتکاب جرم علیه زنان را فراهم کنند. زنانی که به دلیل مشکلات اقتصادی نمی‌توانند از محیط خشونت‌زا خارج شوند، بارها در معرض بزه‌دیدگی مکرر قرار می‌گیرند. در نهایت، نبود بانک اطلاعاتی دقیق و سیستم ثبت یکپارچه درباره آمار بزه‌دیدگی زنان، یکی دیگر از چالش‌های اساسی است. بدون داده‌های دقیق، نمی‌توان سیاست‌گذاری مؤثری داشت یا روند تغییرات را ارزیابی کرد. ایجاد سامانه ملی ثبت خشونت‌های مبتنی بر جنسیت، می‌تواند در آینده‌ای نزدیک راهکاری مؤثر برای شناسایی اولویت‌های مداخله و برنامه‌ریزی باشد.

### ۳-۳- نقش نظام عدالت کیفری در حمایت از زنان بزه‌دیده

نظام عدالت کیفری، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه و جوامعی با شرایط اجتماعی خاص مانند ایران، نقش حیاتی در حمایت از زنان بزه‌دیده ایفاء می‌کند. این سیستم، مسئولیت دارد تا ضمن پیشگیری از وقوع جرم، از حقوق قربانیان به‌ویژه زنان حمایت کرده و شرایط مناسبی برای دسترسی به عدالت فراهم آورد. اما در عمل، مشکلات متعددی مانع از عملکرد مؤثر این سیستم در حمایت از زنان بزه‌دیده می‌شود. در این راستا، ایجاد دادگاه‌های تخصصی و آموزش مستمر قضات در حوزه جرایم مرتبط با خشونت خانگی و بزه‌دیدگی زنان، می‌تواند راهکار مؤثری برای بهبود عملکرد نظام قضائی باشد. دادگاه‌های خانواده با قضات آموزش‌دیده در زمینه حقوق زنان و مسائل روان‌شناختی می‌توانند در تسریع روند دادرسی و کاهش فشار روانی بر زنان بزه‌دیده مؤثر باشند (تقی زاده و همکاران، ۱۴۰۲، ۱۲۴). علاوه بر این، ضعف در فرهنگ‌سازی و آموزش عمومی درباره حقوق زنان نیز از جمله مشکلات عمده در نظام عدالت کیفری است. بسیاری از زنان به دلیل ناآگاهی از حقوق خود یا ترس از عواقب قانونی، از شکایت و پیگیری قضائی خودداری می‌کنند. در چنین شرایطی، ایجاد برنامه‌های آموزشی و ترویج آگاهی عمومی در رسانه‌ها و مدارس درباره حقوق زنان و لزوم گزارش خشونت‌های خانگی، می‌تواند در تقویت نقش نظام عدالت کیفری در حمایت از زنان مؤثر باشد (عظیم‌زاده اردبیلی و ریاضت، ۱۳۹۴، ۴۲).

در نهایت، برای بهبود این وضعیت، توجه به اصلاحات قانونی و حمایتی، به‌ویژه در حوزه پیشگیری و توانمندسازی زنان برای مقابله با خشونت‌های خانگی ضروری است. سیستم قضائی باید نه تنها به‌عنوان یک

نهاد واکنشی در برابر جرم، بلکه به عنوان یک نهاد پیشگیرانه و حمایتی نیز عمل کند.

### ۳-۴- راهکارهای پیشگیرانه و سیاست‌های پیشنهادی برای حمایت از زنان بزه‌دیده

برای کاهش میزان بزه‌دیدگی زنان و حمایت مؤثر از آن‌ها، ضروری است که سیاست‌های پیشگیرانه و تدابیر قانونی و اجتماعی در کنار هم قرار گیرند. این راهکارها نه تنها باید در راستای کاهش آسیب‌دیدگی زنان، بلکه باید بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن‌ها را نیز در نظر داشته باشند.

یک اقدام پیشگیرانه کلیدی دیگر، توسعه برنامه‌های آموزشی در مدارس و رسانه‌ها است. این برنامه‌ها باید به آگاهی‌رسانی و آموزش دختران و پسران درباره حقوق زنان، خشونت خانگی و روش‌های پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی پردازند. از این طریق می‌توان نسل‌های آینده را برای مقابله با خشونت و عدم پذیرش رفتارهای ناعادلانه در روابط، آماده کرد. آموزش مهارت‌های ارتباطی و حل تعارض برای جوانان نیز می‌تواند به‌طور قابل توجهی از بزه‌دیدگی زنان پیشگیری کند (عظیم‌زاده و ریاضت، ۱۳۹۴، ۵۶).

علاوه بر این، ایجاد سیستم‌های حمایتی برای زنان در موقعیت‌های خطر، نظیر ایجاد پناهگاه‌ها و خانه‌های امن، از دیگر راهکارهای ضروری است. این پناهگاه‌ها باید به زنان بزه‌دیده این امکان را بدهند که بدون ترس از بازگشت به محیط خشونت‌آمیز، در مکانی امن و حمایتی بمانند و مراحل قانونی را برای حفاظت از خود طی کنند. توسعه پژوهش‌های علمی و تحقیقی در زمینه خشونت‌های مبتنی بر جنسیت و بزه‌دیدگی زنان از دیگر راهکارهای پیشگیرانه است. این پژوهش‌ها می‌توانند به شناسایی عوامل مؤثر در خشونت‌های خانگی و راه‌های بهبود سیاست‌های پیشگیرانه کمک کنند. با استفاده از داده‌های دقیق و مستند، می‌توان سیاست‌های مؤثری برای کاهش خشونت‌ها و آسیب‌های اجتماعی علیه زنان ارائه داد (استادهاشم، ۱۴۰۱، ۵۸).

در نهایت، باید به فرهنگ‌سازی و تغییر نگرش‌ها در سطح جامعه توجه ویژه‌ای داشت. در بسیاری از جوامع، از جمله ایران، خشونت خانگی و تبعیض‌های جنسیتی به عنوان موضوعاتی تابو در نظر گرفته می‌شود. بنابراین، آموزش و ارتقای آگاهی اجتماعی درباره تبعات خشونت و ضرورت حمایت از زنان بزه‌دیده باید در دستور کار قرار گیرد.

## نتیجه

خانواده به عنوان بنیادی ترین نهاد اجتماعی، کانون اصلی رشد، تربیت و تعالی افراد جامعه است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با تأکید بر نقش محوری خانواده، جایگاه ویژه ای برای زنان در این نهاد قائل شده و آن‌ها را از حالت ابزاری خارج کرده است. باین حال، زنان به ویژه زوجه، به دلیل ویژگی های جسمانی، اجتماعی و فرهنگی از جمله افراد بالقوه آسیب پذیر در برابر بزه دیدگی هستند. این آسیب پذیری در محیط خانواده، جایی که انتظار می رود حریم امن عاطفی و اجتماعی باشد، به شکل انواع خشونت های جسمی، روانی، اقتصادی و حتی دیجیتال بروز می یابد.

حمایت کیفری افتراقی از زوجه، رویکردی است که با عدول منطقی از اصل تساوی افراد، به دنبال کاهش بزه دیدگی زنان و تقویت جایگاه آن‌ها در خانواده و جامعه است. این حمایت نیازمند سیاست گذاری های جامع در ابعاد تقنینی، قضایی و اجرایی است. قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، با وجود برخی پیشرفت ها مانند جرم انگاری ترک نفقه و عدم ثبت عقد موقت، همچنان با خلأهایی نظیر عدم جرم انگاری خشونت های جنسی یا نشوز زوج مواجه است. علاوه بر این، لایحه پیشگیری از آسیب دیدگی زنان که در صورت تصویب می تواند گام مهمی در پیشگیری و حمایت از زنان بزه دیده باشد، نیازمند تسریع در روند بررسی و اجرا است. برای تحقق حمایت کیفری افتراقی، قانونگذار باید با جرم انگاری رفتارهای نوظهور مانند خشونت دیجیتال و اقتصادی، تشدید مجازات ها در جرایم علیه زوجه و محروم کردن بزه کاران از نهادهای تخفیفی سیاست جنایی ویژه ای را تدوین کند. در کنار ضمانت اجرای کیفری، بهره گیری ترکیبی از ضمانت اجرای مدنی، ترمیمی و اداری نیز ضروری است. باین حال، توسل به ضمانت اجرای کیفری در حوزه خانواده باید با رعایت اصول احتیاط، ضرورت و کمینه گرایی صورت گیرد تا ضمن حفظ حریم خصوصی خانواده، استحکام آن نیز تضمین شود.

موفقیت این سیاست ها تنها به اصلاحات قانونی محدود نمی شود. ایجاد مراکز مشاوره و خانه های امن برای زنان بزه دیده، آموزش قضات و مأموران قضایی در زمینه جرایم خانوادگی، توسعه برنامه های آموزشی برای آگاهی بخشی به زنان درباره حقوق خود و فرهنگ سازی برای تغییر نگرش های سنتی و مردسالارانه از جمله اقدامات مکمل هستند. همچنین، ایجاد سامانه های ملی ثبت خشونت های مبتنی بر

جنسیت و تقویت پژوهش‌های علمی در حوزه بزه‌دیدگی زنان، می‌تواند به سیاست‌گذاری دقیق‌تر و مؤثرتر کمک کند.

در نهایت، حمایت کیفری افتراقی از زوجه نه تنها به کاهش رقم سیاه جرایم علیه زنان و تحقق عدالت جنسیتی کمک می‌کند، بلکه با تقویت نقش زنان در خانواده و جامعه به توسعه انسانی و پیشرفت اجتماعی منجر خواهد شد. این هدف تنها با همکاری هماهنگ نهادهای قانونگذاری، قضایی، اجرایی و مدنی و با تکیه بر فقه پویا و سازگار با مقتضیات زمان محقق می‌شود.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

## منابع

- قرآن کریم

- استادهاشم، فاطمه، ۱۴۰۱، سیاست کیفری ایران درباره خشونت خانگی علیه زنان با تأکید بر قتل نفس، فقه جزای تطبیقی، شماره ۲.

- افروز، ریحانه، ۱۳۹۶، ارزیابی و تحلیل حقوقی جایگاه زنان در قانون جدید حمایت از خانواده با رویکرد حقوق بشر، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، شماره ۷.

- امین زاده، محمدرضا، ۱۳۸۰، جایگاه اخص و ممتاز زن، چاپ اول، تهران، انتشارات شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.

- انصاری‌فر، زهرا؛ رجبی، الهه؛ گلخندان، سیدسجاد، ۱۴۰۲، دسترسی زنان بزه‌دیده پناهجو به عدالت کیفری؛ چالش‌ها و راهکارها (با تأمل در اسناد بین‌المللی)، فصلنامه آموزه‌های فقه و حقوق جزا، شماره ۸.

- تقی زاده، نیوشا؛ آقابابایی، حسین؛ نظری نژاد، محمدرضا، ۱۴۰۲، مخاطرات خشونت خانگی علیه زنان و راهکارهای پیشگیری از آن، فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۲۵.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۴۰۳، ترمینولوژی حقوق، چاپ سی و نهم، تهران، انتشارات گنج دانش.

- حاجی ده آبادی، احمد و کرامتی معز، هادی، ۱۳۹۶، تقابل ضمانت اجراهای کیفری قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ با ویژگی‌های خاص جرم انگاری در حوزه خانواده، **فصلنامه علوم اجتماعی شوشتر**، ویژه نامه پیشگیری از جرم و حقوق.
- زینالی، امیرحمزه و مقدسی، محمدباقر، ۱۳۸۱، حمایت کیفری از خانواده در قانون مجازات اسلامی، **فصلنامه فقه و حقوق خانواده**، شماره ۵۰.
- عظیم زاده اردبیلی، فاتره و ریاضت، زینب، ۱۳۹۴، سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرایم علیه زوجه در خانواده، **فصلنامه فقه و حقوق خانواده**، شماره ۶۳.
- کریزی، حمید رضا، ۱۳۹۶، **بزه دیده‌شناسی فمینیستی (با نگاهی به سیاست جنایی تقنینی ایران)**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- میرکمالی، سیدعلیرضا؛ رحمدل، منصور؛ صالح احمدی، سحر؛ صالح احمدی، سعید، ۱۴۰۰، **حقوق جزای خانواده در نظم حقوقی کنونی**، چاپ اول، تهران، انتشارات گالوس.
- وسمقی، صدیقه، ۱۳۸۷، **زن، فقه، اسلام**، چاپ اول، تهران، انتشارات صمدیه.

An Analysis of Key Changes in UCP 500 Compared to UCP 600

Homayoun Mafi, Sodabeh Asadian

Judicial Justice in Islamic Criminal Laws

Abolfath Khaleghi, Maryam Khalil Dokht

The Effects of the Pandemic on the Expansion of Terrorism

Mohsen Molaei Fard, Hadi Masoudi Far

Female Victimization Within the Family: Strategies and Foundations for Criminal Protection

Sayyed Alireza Mirkamali, Zahra Mahmoudi, Omid Zeynali

Challenges and Strategies for Implementing Hijab and Chastity

Mahmoud Habibi Tabar, Narges Zandi Aliabadi

Criticism of the Regulations of Article 3 of the Law on the Obligation to Officially Register Real Estate Transactions

Kousar Nazari, Ebrahim Yaghouti

A Comparative Study of the Principle of Good Faith in Iranian and French Law Based on the 2016 Reforms

akbar azimi

Recognition of the Right to the Environment in the Light of International Documents and Judicial Procedures

Mona Davanlou

Reflection on the Trend of Artificial Intelligence in Crime Prevention

Ali Najafi, Sayyed Mohsen Mousavi Far

Feasibility of Criminal and Legal Prosecution of Government Officials in Violation of Citizens' Right to Health

Abolhasan Jannati, Zainab Hashemi Baghi

A Comparative Critique and Analysis of the Nature of Smart Contracts in the Legal Systems of Iran and the United States of America

Amal Solimani, Maryam Eskandari

Comparative Analysis of the Crime of Aggressive Possession of Movable Property in Iranian and English Law:

Principles, Elements and Enforcement Guarantees

Amir Mohammad Mahrokh, Saeid Babaei

Peace Within Iran's Laws, a Comparative Analysis with Other Ways of Dispute Resolution

Mohammadbagher Parsa Pour, Azam Lotfi Neyestanek

Legal Effects and Consequences of Invoking the Rule of Necessity in International Law

Sayyed Mohammad Pedram Bathaei

Analysis of Crimes Related to Speculation Iranian and French Criminal Law

Vahid Kioumars

Comparative Study of Damage Caused by Damage in Iranian Law and International Sale of Goods Convention

Amirmohammad Tavakoli, Setayesh Haj Rajabali Tehrani

A Comparative Analysis of Unilateral Sanctions and Security Council Sanctions: Legal Analysis and Extraterritorial Implications

Sayyed Foad Alavi, Ali Taghi Zadeh, Mohammad Javad Ghasabi Fard

Crimes and Accidents Arising from Work in Iranian and French Law

Sima Soudagar

The Legal Status of the Use of Chemical Weapons by Iraq Against Iran from the Perspective of International Law

Sara Farzadi Mehr, Mojtaba Nazif, Qasim Moghadamian, Esmaeil Amouri

Criminal Policy Alternatives to Imprisonment in Crimes of the United States Armed Forces

Amirhasan Abolhasani, Sayyed Yahya Alavi, Elham Zare

Contract for the Carriage of Goods in the Legal Systems of Iran and France

Mahshid Sadat Tabaei, Fahimeh Taherloo

Establishing Rules of Artificial Intelligence in Combating Money Laundering and Asset Recovery

Ali Moyed Ahmadi, Amirreza Mahmoudi

Ownership of Mars from the Perspective of the 1967 Outer Space Treaty: Legal Analysis of Conflicts and Solutions

Mahdi Gharedaqui

Analysis of the Iranian Legislator's Criminal Policy Against Terrorist Crimes: Challenges and Solutions

Mostafa Rezaei

Conflict of Principles Governing Urban Lands with Property Rights in the Iranian Legal System

Sayyed Mohammadbagher Haghighyeghi, Farzin Yazdan Panah, Hamidreza Konari Zhadeh

A Jurisprudential-Legal Analysis of the Non-Enforceability of the Wife's Right to Divorce Clause in Marriage Contracts

Vahid Parsaei Daadras

The Position of Contract Interpretation in the Iranian Legal System

Aslan Alizadeh, Esmaeil Hoseini

Implementing the Decisions of the Court of Arbitration for Sport at the National Level

Sepideh Ahmadian Fard

Compensation for Personal Loss in Quasi-Crimes and its Examples in Criminal Laws: A Legal and Judicial Review

Meysam Hasani Zadeh

A Jurisprudential and Legal Study of Artificial Insemination in Iran

Fatemeh Moezzi, Hanieh Akbari, Hadi Rousta